

بسم الله الرحمن الرحيم

تشیس هر روز و بهرام

اثر:

وقار شیرازی

با مقدمه و کوشش

دکتر عبدالحسین جلالیان

جلالی

سرشناسه	: وقار شیرازی، احمد بن محمد شایع، ۱۲۲۲-۱۲۹۸ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: مثنوی بهروز و بهرام، اثر وقار شیرازی: با مقدمه و کوشش عبدالحسین جلالیان
مشخصات نشر	: تهران: یزدان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱ ج (بدون شماره گذاری): ۲۶/۵ × ۱۶/۵ سم.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۴۵-۳۷-۳
وضعیت فهرست نویسی	: لیبیا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ ق.
موضوع	: Persian poetry -- 19th century
شماره افزوده	: جلالیان، عبدالحسین. ۱۳۰۷ - مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره	: PIR۷۵۲۷/۹۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۸۵۹/۵
شماره ثبت کتابخانه ملی	: ۷۲۸۳۲۷۲

نام کتاب: مثنوی بهروز و بهرام
سراینده: وقار شیرازی
تنظیم کننده: دکتر عبدالحسین جلالیان
حروف نگاری و صفحه آرائی: مؤسسه مهاد
چاپ: گلبن
صحافی: گلبن
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ ریال
شابک: ۳-۳۷-۶۵۴۵-۹۶۴-۹۷۸
ناشر: انتشارات یزدان- تهران - بلوار کشاورز- شماره ۲۲۰- طبقه دوم
تلفن: ۸۸۹۶۶۶۱۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

پیش‌گفتاره ۴

دعوی حرور و ابرام ۱۱

www.ketab.ir

«پیش گفتار»

توضیحاتی درباره انتشار این کتاب:

در فروردین سال ۱۳۳۲ شمسی این ناتوان افتخار این را یافت که با بانو منیره تدین مادر همسر خود به هنگام ازدواج آشنا شوم.

بانو از آنجائی که به سبب دست داشتن من در کار شعر، آگاهی یافته بود، به هنگام مکالمه بیشتر اوقات در میان سخنان خود تک بیت‌هایی مناسب به زبان می‌آورد. ویژگیهای دیگر این بانو، این بود که در کار مشاعره کسی را یارای برتری با او نبود و در بازی نیز هم مهارتی بسزا داشت در همین ایام، در میان سخنان تلفنی ایشان با شخصی در تهران و از خانواده وصال شیرازی متوجه این نکته شدم که مادر همسر من اصلاً شیرازی و دارای بستگانی از یکی از فامیل‌های بزرگ و ادیب شیراز است.

پدر بانو منیره تدین شخصی به نام امیرزا یوسف شیرازی و مادر نامبرده بانویی به نام رباب تدین دختر حاجی میرزا هاشم هراتی از فامیل بزرگ هراتی‌های یزد بوده است. امیرزا یوسف شیرازی از خانواده وصال شیرازی از شیراز به یزد آمده و پس از ازدواج در یزد ماندگار می‌شود. توضیحاً شایسته خواهد بود بانو منیره تدین به نام حاج میرزا احمد لاری شیرازی بوده که تا چند سال قبل یک چهارراه در شیراز به نام او بوده است. تمام خانواده منیره تدین هم خوشریس به مانند.

متأسفانه در آن زمان به سبب جوانی و خامی و داشتن مشغله زیاد پی‌گیری تحقیقات بیشتری نشدم تا اینکه نامبرده به رحمت ایزدی پیوست.

روزی در میان اوراق و کتب و نوشته‌های باقی مانده از این بانو، حاوی اسناد بسیار گرانبها و صدق نامه‌های فامیل و گذشتگان بود به کتابی دست یافتم که صفحه اول و آخر آن در اثر مرور ایام تا حدی مندرس شده بود لیکن با خطی بسیار زیبا و نستعلیق و مذهب آراسته و مندرجات آن یک مثنوی بنام بهروز و بهرام اثر سراینده‌ای به نام وقار شیرازی است. هم‌چنین متوجه نوشته‌هایی در پشت صفحه اول این کتاب شدم که نام شخصی مرقوم بود و من این نام را در چند مورد از زبان

مادر همسر خود شنیده بودم. سالها گذشت و چاپ این جزوه به تأخیر افتاد تا اینکه در سال ۱۳۳۹ مصمم به تحقیق درباره خانواده وصال شیرازی گردیدم زیرا تا آن زمان جز نام مرحوم وصال شیرازی که مثنوی شادروان و حسنی بافقی را به پایان رسانیده مطلب دیگری از این خاندان نمی‌دانستم. قضا را به کتلی دست یافتم به «تجربن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم تا به امروز» تألیف حسن بامداد که توسط مؤسسه (ما) به مسئولیت آقای احمد کرمی در سال ۱۳۲۲ به چاپ رسیده است و از آن بهره فراوان یافتم و در اینجا به ادب دوستان توصیه می‌کنم که از مطالعه آن کتاب لذت نوزند.

از آنجا که سیر تحول و تطوّر شعر و ادب از زمان صفویه که شعرا و ادبا به هند مهاجرت کردند به بعد تا زمان مشروطه دارای ارزش مطالعه فراوانی است. بهتر دانستم مختصری در این باره بیان نموده آنگاه به شرح خانواده وصال بهروزم. به هنگامی که خاندان کریم خان زند شیراز را پای تخت خود قرار داد، تعدادی از شاعران و پیروان مشتاق اراضین به شیراز راجعت کردند و در واقع دومین کانون بازگشت یا تجدید ادبی را در شیراز ایجاد نمودند. نتایج و ثمرات این انجمن‌هایی که در این زمان در شیراز رها شد سبب تربیت عده‌ای شاعر بود که پس از آن در زمان قاجاریه پدید آمد.

در این دوره تجدید حیات ادبی، شعر اصیل فارسی در سراسر خود افتاد و در این دوره بود که دو شاعر بزرگ یکی به نام وصال شیرازی در فارس و دیگری به نام قاتانی در قصبه سرائی شهرت بسیار یافتند.

انجمن‌های ادبی شیراز از زمان وصال به بعد به مدت یکصد و پنجاه سال به نام انجمن سخنوران، در خاندان وصال ادامه داشت و در زمان حاضر هر چند بعضی در شیراز به نام او نیست اما انجمن‌های دیگر دنباله‌رو انجمن سخنوران وصال بوده و در این انجمن‌ها یکی دو تن از مشاهیر شاعران خاندان وصال از بنیان‌گزاران و یا از اعضاء پیوسته این انجمن‌ها می‌باشند.

پس از سپری شدن دوران زندیه و روی کار آمدن سلسله قاجاریه، شیراز یکی از مراکز عمده پرورش شاعران بزرگ شده از این‌رو در دوره قاجاریه به سبب اینکه

فتح علیشاه و ناصرالدین شاه قاجار خود شاعر و مشوق شاعران زمان خود بودند، دیگر، شعرا به هندوستان مهاجرت نکردند. و در این دوره سخنورانی مانند وصال و قائمی زمینه را برای ظهور ادبیات زمان مشروطه فراهم آوردند.

شادروان، سعید نفیسی در مقدمه دیوان داوری درباره وصال شیرازی و خاندان او می‌نویسد:

وصال شاعر و هنرمند بزرگ شیرازی در هفت خط استاد و مانند او در هفت اقلیم دیده به خنید نشاء است. شش فرزند هنرمند به جای گذاشته و آنان ده فرزند هنرمند دیگر به جای گذاشتند و از هر جهت هفده نفر شاعر هنرور از این خاندان شریف بیرون آمده است و من در هیچ گوشه از تاریخ چنین خانواده شریفی سراغ ندارم.

با این مقدمه و توضیح حال طبعی اشک به شرح حال شادروان وصال و فرزندان او تا آنجا که در کتب مندرج است همراه برداخت:

محمد شفیع ملقب به میرزا کوچک محصل به (و مال) فرزند محمد اسماعیلی به سال ۱۱۹۷ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. در ادب، عرف و نحو و حکمت و تفسیر ریاضی و موسیقی و فنون ادب و خط از مشاهیر شاعران و استادان زمان خود شد. شادروان وصال به حسن صورت و حسن آواز مشهور و در سزل سرائی استاد زمان بود. نامبرده از مریدان مرحوم (سکوت) بود و انواع خط را بسیار خوش و شیوا می‌نوشت و در خط نسخ استاد مسلم زمان بود. مرحوم وصال در تمام انواع شعر توانا و طبع آزمائی کرده و دیوانش بالغ بر سی هزار بیت در زمان جاریه با چاپ سنگی چاپ و انتشار یافته است. این دیوان شامل قصاید و غزلیات است و غزلیات او شامل سه دفتر می‌باشد دفتر اول عبارت از غزلیاتی است که به استقبال سعدی رفته و دفتر دوم به اقتضای غزلیات حافظ و در دفتر سوم غزلیاتی است که خود ابلاغ کرده است.

مرثیه وصال شیرازی بعد از دوازده بند ترکیب بند محتشم کاشانی از مشهورترین مرثیه‌های شهید کربلا است.